

بررسی رابطه بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود و سورپرایز شدن از سود

لیلا قنبری^۱، مهدی کریمی تبریزی^۲

^۱ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسول)

^۲ مربی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اراک، اراک، ایران.

چکیده:

خوش بینی و امید از ویژگی‌های افرادی است که دارای هوش هیجانی بالایی می‌باشند. امید نقش شگفت‌آوری در موفقیت تجاری و مدیریتی افراد دارد و زندگی حرفه‌ای هر کس که به کسب و کار تجاری می‌پردازد به نحو چشمگیری وابسته به میزان خوش بینی اوست. و لذا در این تحقیق به بررسی رابطه بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود و سورپرایز شدن از سود در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد برای رسیدن به این هدف هشت فرضیه مطرح گردید که برای آزمون فرضیات تحقیق داده های ۹۷ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از روش نمونه گیری سیستماتیک هدفمند برگزیده و از داده های دوره زمانی بین سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ برای انجام آزمون آماری به صورت رگرسیون چند گانه در نرم افزار SPSS نسخه ۱۷ مورد استفاده قرار گرفت .

نتایج حاصله نشان دهنده این امر می باشد که بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با فروش بالا و پایین و در شرکتهای با بازدهی بالا و پایین رابطه معنی داری به صورت معکوس و بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با فروش بالا و پایین و در شرکتهای با بازدهی بالا و پایین رابطه ای به صورت مستقیم وجود دارد.

واژگان کلیدی: خوش بینی مدیریت، هموارسازی سود، سورپرایز شدن از سود

مقدمه

گروه‌های مختلف به دلایل متفاوت به مسئله ارزیابی عملکرد شرکتها توجه خاصی داشته و آنها را مهم تلقی می‌کنند اعم از مالکان، مدیریت، سرمایه‌گذاران دولت، بانک‌ها و اعتباردهندگان و ... و همچنین معیارهای مختلفی برای ارزیابی عملکرد وجود دارد که هر کدام در جایگاه خود می‌توانند معیارهای مناسبی برای ارزیابی عملکرد باشند. اطلاعات مورد نیاز برای این معیارها از طریق صورت‌های مالی (حسابداری)، اقتصاد، بازار آزاد و یا ترکیبی از آنها به دست می‌آید که هر کدام به نوعی دارای محاسن و معایب مختلفی هستند.

از آنجا که معیارهای ارزیابی سنتی عملکرد نظیر EPS ، ROI ، ROA و... همگی بر سود حسابداری متکی اند و در عین حال سود خالص خود دارای ابهامات زیادی از جمله، امکان هموارسازی سود توسط مدیریت شرکت به منظور کسب پاداش بیشتر، استفاده از برآوردها و تخمین‌ها در محاسبه سود حسابداری مانند برآورد هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول و ... و عیب دیگر اجازه استفاده اختیاری به مدیریت برای استفاده از روش‌های مورد قبول حسابداری است. لذا مورد انتظار است که دستکاری در سود حسابداری یا همان هموار سازی سود و همچنین سورپرایز شدن از سود تحت تاثیر خوش بینی مدیریت قرار گیرد.

حال در این تحقیق در نظر داریم تا بررسی نماییم که آیا بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود و سورپرایز شدن از سود رابطه معنی داری وجود دارد؟

هموارسازی سود یک هدف روشن دارد و آن ایجاد جریان رشد ثابت در سود است. وجود این نوع دستکاری نیازمند آن است که شرکت سود زیادی داشته باشد تا بتواند ذخایر لازم را برای منظم کردن جریانها در هنگام نیاز تامین کند. به طور کلی هدف آن، کاهش تغییرات سود است. محققان هموارسازی سود از این باور تبعیت می‌کنند که اعضای بازار با جریان ثابت سود گمراه می‌شوند (ابراهیمیان، ۱۳۸۹، ۷).

در این تحقیق ما به دنبال پاسخ گویی به پرسش‌های زیر می‌باشیم:

۱. آیا بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با بازدهی بالای داراییها رابطه معنی داری وجود دارد؟
۲. آیا بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با بازدهی پایین داراییها رابطه معنی داری وجود دارد؟
۳. آیا بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با بازدهی بالای داراییها رابطه معنی داری وجود دارد؟
۴. آیا بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با بازدهی پایین داراییها رابطه معنی داری وجود دارد؟
۵. آیا بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با فروش بالا رابطه معنی داری وجود دارد؟
۶. آیا بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با فروش پایین رابطه معنی داری وجود دارد؟
۷. آیا بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با فروش بالا رابطه معنی داری وجود دارد؟
۸. آیا بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با فروش پایین رابطه معنی داری وجود دارد؟

هموار سازی سود به عنوان کاهش آگاهانه نوسانات سطح سود تعریف می‌شود به گونه ای که سود شرکت عادی به نظر برسد. مدیران به دلایل مختلفی سود را هموار می‌کنند، یکی از اهداف اصلی در هموار سازی سود ایجاد یک جریان با ثبات تر به منظور پشتیبانی از سطح سود پرداختی بالاتر می‌باشد. جریان سود با ثبات تر می‌تواند به عنوان ریسک پایین تر درک شود که منجر به قیمت سهام بالاتر و هزینه‌های استقراض پایین تر می‌گردد. هدف دیگر هموار سازی سود تمایل مدیریت واحد تجاری برای افزایش قدرت پیش بینی سرمایه‌گذاران و کاهش ریسک شرکت می‌باشد. به دلیل افزایش ثبات سود و کاهش نوسانات آن سرمایه‌گذاران می‌توانند پیش بینی دقیق تری از سودهای آتی داشته باشند. از اهداف دیگر هموار سازی سود می‌توان به ملاحظات هزینه‌های سیاسی، مالیات و قرار دادهای بدهی اشاره نمود. با توجه به مطالب ذکر شده در بالا و همچنین

تحقیق کریستیا بومن^۱ در سال ۲۰۱۴ با عنوان تاثیر خوش بینی مدیریت بر هموار سازی سود در بورس اوراق بهادار آمریکا که وی در این تحقیق دو فرضیه با این مضمون که بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود و سورپرایز شدن از سود رابطه وجود دارد مطرح و مورد بررسی و آزمون قرار داد و نتایج حاصل از تحقیق وی نشان دهنده این مطلب می باشد که بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود و سورپرایز شدن از سود در بورس اوراق بهادار آمریکا رابطه معنی داری وجود دارد؛ پس ما را بر این داشت که بررسی نماییم خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود و سورپرایز شدن از سود رابطه دارد و برای آنکه نتایج از درجه اتکای بالاتری برخوردار باشد از دو متغیر تعدیل گر بازدهی داراییها و فروش شرکت نیز استفاده گردید و فرضیات تحقیق به صورت زیر بیان گردیدند:

۱. بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با بازدهی بالای داراییها رابطه معنی داری وجود دارد.
 ۲. بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با بازدهی پایین داراییها رابطه معنی داری وجود دارد.
 ۳. بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با بازدهی بالای داراییها رابطه معنی داری وجود دارد.
 ۴. بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با بازدهی پایین داراییها رابطه معنی داری وجود دارد.
 ۵. بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با فروش بالا رابطه معنی داری وجود دارد.
 ۶. بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با فروش پایین رابطه معنی داری وجود دارد.
 ۷. بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با فروش بالا رابطه معنی داری وجود دارد.
 ۸. بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با فروش پایین رابطه معنی داری وجود دارد.
- "هموارسازی سودمی تواند به عنوان روشی تعریف شود که توسط مدیریت جهت کاهش تغییرات اقلام سود گزارش شده به وسیله حساب آرائی ساختگی (حسابداری) یا واقعی (معاملاتی) بکار گرفته می شود تا آنرا در حدود جریان سود مورد نظر برساند" (بدری ۱۳۷۸، ۶۷).

کریستیا بومن^۲ در تحقیقی به بررسی تاثیر خوش بینی مدیریت بر هموار سازی سود در بورس اوراق بهادار آمریکا پرداخت در این تحقیق دو فرضیه با این مضمون که بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود و سورپرایز شدن از سود رابطه وجود دارد مطرح و مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است نتایج حاصل از تحقیق وی نشان دهنده این مطلب می باشد که بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود و سورپرایز شدن از سود در بورس اوراق بهادار آمریکا رابطه معنی داری وجود دارد.

جفری نگ و ایرام تانا، رودریگو وردی^۳ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان پیش بینی های مدیریت، کیفیت افشاگری و کارآیی بازار به بررسی رابطه بین سورپرایز شدن از سود های پیش بینی شده توسط مدیریت و ریسک سیستماتیک با واکنش های بازار سهام پرداختند نتایج حاصل از تحقیق آنها نشان دهنده این مطلب است که بین پیش بینی های مدیریت با سورپرایز شدن رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. و بین دقت پیش بینی سود به عناوین نمادی از افشاگری با واکنش قیمت سهام رابطه ای معنا دار به صورت مستقیم وجود دارد.

محمدی شرمه ۱۳۹۱ که هدف این تحقیق، بررسی رابطه بین میزان پاداش هیئت مدیره و هموارسازی سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. در این تحقیق برای مشخص کردن شرکتهای هموارساز و غیر هموارساز از مدل ایکل استفاده شده و برای جمع آوری اطلاعات از سایت کتابخانه سازمان بورس اوراق بهادار تهران و صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس استفاده شده است. در این تحقیق تعداد ۱۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۸ بررسی شده است. جهت آزمون فرضیه ها، از مدل رگرسیونی و نرم افزار های SPSS و Eviews7

1 Christa H.S. Bouwman

2 Christa H.S. Bouwman

3 Jeffrey Ng, İrem Tuna, Rodrigo Verdi

استفاده شده است. یافته تحقیق نشان می دهد که بین هموارسازی سود و میزان پاداش هیئت مدیره شرکتها رابطه معنادار مثبت وجود دارد. با توجه به نتایج فرضیه ها، هموارسازی سود بر میزان پاداش هیئت مدیره در صنعت خودرو و فلزات مورد تایید قرار نگرفت و در دیگر صنایع و فرضیه ها نتایج مثبت و معنادار بدست آمده است.

ابراهیمیان ۱۳۸۹ در تحقیقی با عنوان بررسی اثرات هموار سازی سود بر ارزش افزوده اقتصادی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بیان می دارد که این پژوهش را با این سوال اساسی شروع کرده ایم که، تعدیلات در سود حسابداری نظیر هموارسازی سود بر شاخصهای جدید ارزیابی عملکرد نظیر ارزش افزوده اقتصادی نیز اثرگذار خواهد بود یا خیر؟ به همین منظور به بررسی این موضوع تحت عنوان «بررسی اثرات هموار سازی سود بر ارزش افزوده اقتصادی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» پرداخته ایم. از این رو متغیرهای این پژوهش شرکتهای هموار ساز سود و ارزش افزوده اقتصادی بوده است. جامعه آماری این تحقیق شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه گیری نیز به صورت تصادفی بر اساس سطح معناداری مورد نظر انتخاب شده است دوره زمانی این تحقیق یک دوره سه ساله بین سالهای ۱۳۸۶ تا پایان دوره مالی ۱۳۸۸ نیز بوده است. برای پاسخ به سوال اصلی تحقیق فرضیه های بترتیب اصلی و فرعی زیر را تدوین کرده ایم:

همواری سازی سود بر معیار ارزش افزوده اقتصادی شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر گذار است. و ارزش افزوده اقتصادی شرکتهای هموار ساز از ارزش افزوده اقتصادی شرکتهای غیر هموار ساز به طور معناداری کمتر است. پس از تحلیل های آماری صورت گرفته و استفاده از آزمون آماری مقایسه میانگین دو جامعه در سطح معناداری ۰.۰۵٪ فرضیه این پژوهش مورد تایید قرار گرفت.

انگیزه های هموار سازی سود

دلیل اصلی انگیزه مدیران برای هموار سازی سود را می توان در غالب تئوری نمایندگی مورد بررسی قرار داد، آنجایی که امنیت شغلی مدیران حاصل از عملکرد شرکت در دوره جاری و دوره های آتی می باشد، بسیاری از مدیران در صورت عدم موفقیت در عملکرد مطلوب در دوره جاری و با پیش بینی عدم موفقیت در دوره آتی با مخاطره بر کناری از کار مواجه بوده و به همین دلیل دست به هموار سازی سود می زنند. در چنین شرکت هایی امنیت شغلی مدیران افزایش خواهد یافت چون:

اول اینکه: مدیران نگران منافع پولی و غیر پولی شان هستند و بر کناری از کار به معنی از دست دادن منافع حاصل از شرکت می باشد.

دوم اینکه: سهامدارن شرکت منتظر مشوقهای بلند مدت نخواهند ماند، بنابراین نتیجه عملکرد ضعیف دوره جاری ممکن است با بر کناری مدیر همراه باشد.

وسوم اینکه: در ارزیابی مدیران سودهای جاری از سودهای حاصل شده گذشته بسیار مهمتر است.

دو مورد اول بیان کننده انگیزه مدیران، جهت افزایش سود دوره جاری با استفاده از انتقال سود دوره های آتی به دوره جاری می باشند، تا امکان بر کنار شدن آنها را در کوتاه مدت کاهش دهند، این انگیزه زمانی افزایش خواهد یافت که عملکرد دوره جاری ضعیف باشد. مورد سوم مبنی بر مهمتر بودن سودهای دوره آتی خواهد بود به عبارت دیگر مدیر خوب گذشته جبران مدیریت ضعیف آتی را نخواهد کرد. مدیران در دوره های عملکرد قوی، کمتر نگران بر کناری خواهند بود، اما ترجیحاً آنها در چنین دوره هایی تر غیب می شوند تا از ذخیره سود برای دوره هایی که عملکرد ضعیف دارند استفاده کنند. این کار به وسیله انتقال سود از دوره های جاری به دوره آتی میسر خواهد بود که انتقال سود موجب افزایش دوره تصدی آنها خواهد شد. (چن و دیگران^۱، ۲۰۰۹، ۱۸)

از سال ۱۹۵۳، هیورت مدعی شده است که انگیزه هموارسازی سود بر این پایه قرار دارد که روابط با اعتباردهندگان و کارکنان بهبود یابد و از سوی دیگر از طریق اقدام های روان شناسانه چرخه ها و نوسان های تجاری کاهش یابد. گوردن بر این باور است که:

۱- شاخصی که مدیریت شرکت در انتخاب از میان روش های حسابداری به کار می برد این است که روش مزبور، مطلوبیت یا رفاه را به حداکثر برساند.

۲- همین مطلوبیت تابعی از امنیت شغلی، سطح و نرخ رشد حقوق و سطح و نرخ رشد شرکت (از نظر اندازه یا بزرگی) می باشد.

۳- رضایت سهامداران از عملکرد شرکت باعث می شود که مقام و میزان پاداش مدیران بالا رود. یعنی اگر سایر عوامل ثابت باشد، هر قدر سهامداران ابراز رضایت یا سعادت بیشتری کنند، امنیت شغلی، درآمد و سایر خواسته های مدیریت نیز بیشتر خواهد شد.

- این رضایت به نرخ رشد و ثبات سود شرکت بستگی دارد.

بیدلمن دومین انگیزه را برای هموارسازی، توانایی مقابله با ماهیت ادواری بودن سود و کاهش احتمالی همبستگی بازده مورد انتظار شرکت با بازده مجموعه بازار می داند و می گوید: «تا آنجا که عادی شدن موفقیت آمیز است و تا میزانی که سرمایه گذاران کاهش کواریانس بازده سهم و بازده بازار را تشخیص داده و در فرایند ارزش یابی شان دخالت می دهند، هموارسازی روی ارزش سهام، اثرات سودمندی خواهد داشت» (آقایی و کوچکی، ۱۳۷۴، ۲۴).

در واقع هموارسازی سود، ناشی از احساس به این نیاز است که مدیریت می خواهد پدیده عدم اطمینان محیط را خنثی نماید و نوسان های عملکرد سازمان را که ناشی از چرخه میان دوره ای که مبتنی بر رونق و کساد است، را کاهش دهد.

دلایل بیدلمن در تحقیقی که میچلسون و همکارانش در سال ۱۹۹۹ انجام دادند تایید شد. تحقیق آنها نشان می دهد که هموارسازی سود بر بازده سهام شرکتها تأثیر گذاشته و بازاربه سودهای هموار پاسخ مثبت نشان می دهد (میچلسون و همکاران، ۱۹۹۹، ۶۴).^۱

اماتحقیقی که به بررسی تأثیر هموارسازی سود بر بازده سهام شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است، نتیجه دیگری داده است. نتایج تحقیق مشخص کرده است که در مجموع ۳۰/۵ درصد شرکتهایی که متغیر هموارسازی در آنها برای دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۷۹ مورد مطالعه قرار گرفته، هموارسازند. بر اساس نتایج تحقیق مذکور در بورس اوراق بهادار تهران، هموارسازی را نمی توان ابزاری موثر بر بازده سهام شرکتها دانست (قائمی و دیگران، ۱۳۸۲، ۱۴۸).

یکی از فرضیه های تئوری نمایندگی حاکی از این است که مدیریت سعی در حداکثر نمودن منافع خود دارد که این هدف لزوماً همسان و همسو با حداکثر کردن ارزش شرکت نیست. در حالی که مدیریت سعی می کند حقوق و مزایای خود را به حداکثر ممکن برساند، اما ناگزیر باید این کار را در چارچوب افزایش سود خالص، بازده سرمایه گذاری یا معیارهای مشابه حسابداری انجام دهد و در عین حال افزایش قیمت اوراق بهادار شرکت را نیز مد نظر داشته باشد. اگر چه انگیزه اصلی مدیریت معمولاً بهبود عملکرد است اما ممکن است مدیریت سعی در انتخاب آن دسته از روشهای حسابداری داشته باشد که سود شرکت را در آینده نزدیک افزایش دهد که خود موجب بالا رفتن حقوق و مزایای مدیران می شود. در این قبیل موارد، امکان دارد که تصمیمات مدیران، همسو با علایق و منافع سهامداران نباشد (شباهنگ، ۱۳۸۷، ۳۱).

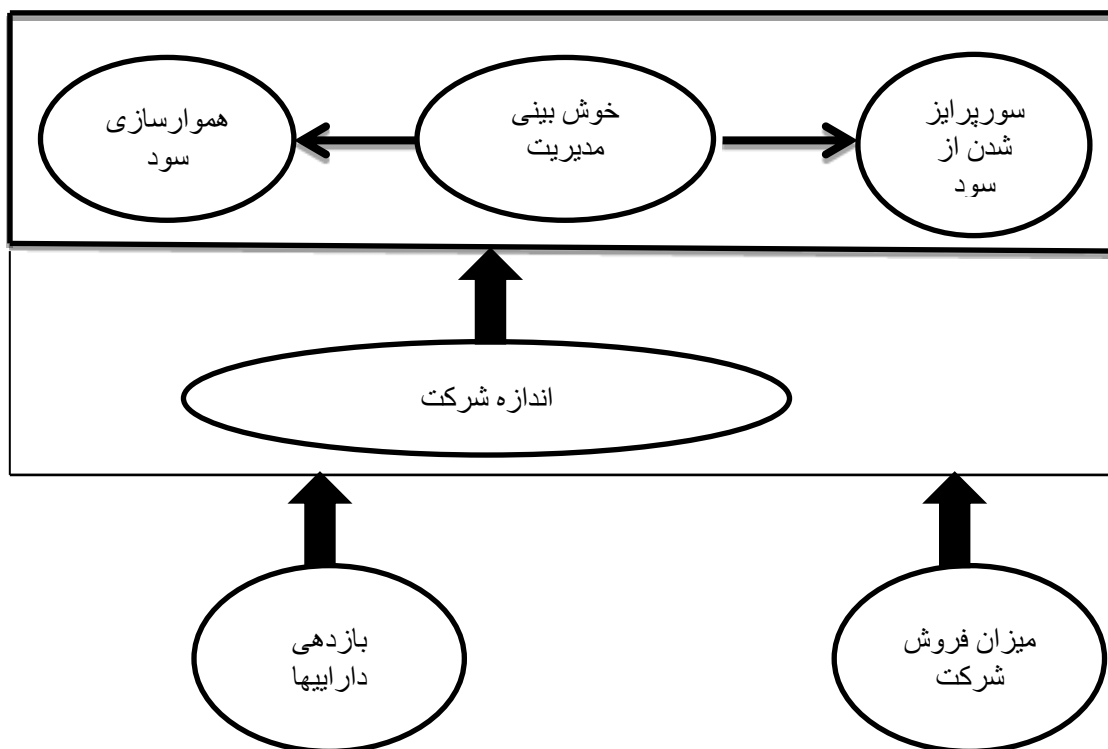
روش تحقیق

این پژوهش از نظر نوع هدف جزء پژوهش های کاربردی است. و روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی همبستگی می باشد. انجام پژوهش در چارچوب استدلال قیاسی - استقرایی صورت گرفته است. بدین ترتیب که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه مطالعات کتابخانه ای، مقالات و سایت ها در قالب قیاسی و گردآوری اطلاعات برای تایید و رد فرضیه ها به صورت استقرایی انجام گرفته است. تعداد شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در پایان سال ۱۳۹۲ برابر ۴۷۵ شرکت بوده است. اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش از صورتهای مالی و یادداشت های پیوست صورتهای مالی و همچنین از

1- Michelson et al, 1999, 64

اطلاعات اولیه تابلوی بورس (گردآوری شده در نرم افزار ره آورد نوین و بانک اطلاعاتی اداره آمار شرکت بورس) استفاده شده است.

مدل مفهومی تحقیق



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

در پژوهش حاضر به منظور شناسایی رفتار هموار سازی سود از مدل ایکل استفاده شده است. این شاخص قادر به شناسایی تمام شرکتهایی که برای هموار سازی سود تلاش می کنند، نمی باشد. به بیان دیگر اگر شرکت ها در اقدام به هموار سازی سود تا حدودی یا کاملاً نا موفق باشند، بر مبنای این شاخص به عنوان غیر هموار ساز طبقه بندی می شوند. هر چند این مشخصه از دیدگاه محافظه کارانه مثبت تلقی می شوند، زیرا شرکتهایی که بر این مبناء هموار ساز طبقه بندی شده اند با ضریب اطمینان بالایی هموار ساز هستند. به هر حال با توجه به تمام ویژگی ها و در مقایسه با سایر معیارهای هموار سازی سود، شاخص ایکل برای اهداف این مطالعه، معیاری قابل قبول تلقی می گردد. اگر شرکتی حداقل در یکی از سطوح سود عملیاتی، سود ناخالص یا سود خالص، هموار ساز باشد، در این تحقیق به عنوان هموار ساز در نظر گرفته خواهد شد.

روش های تجزیه و تحلیل اطلاعات

به دلیل اینکه متغیرهای پژوهش از نوع فاصله ای بوده روش پژوهش همبستگی می باشد جهت انجام آزمون های آماری از:

- ۱- آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق
- ۲- آزمون دوربین - واتسون برای بررسی نبود خود همبستگی بین خطاها یا استقلال خطاها در رگرسیون
- ۳- رگرسیون چند متغیره و دیاگرام پراکنش و معادله خط که دارای خطای معیار کمتری در مقایسه با سایر روش های آماری می باشند استفاده شده است.

یافته های تحقیق:

آزمون فرضیه اول

بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با بازدهی بالای داراییها رابطه معناداری وجود دارد.

فرض صفر و فرض مقابل آن به صورت زیر تعریف می شوند:

H_0 = بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با بازدهی بالای داراییها رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 = بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با بازدهی بالای داراییها رابطه معناداری وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 : \rho = 0 \\ H_1 : \rho \neq 0 \end{cases}$$

جدول ۱. ضریب همبستگی، ضریب تعیین و آزمون دوربین-واتسون بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار تخمین	آماره دوربین-واتسون
1	.733 ^a	.654	.587	.3941518	1.731

طبق جدول شماره ضریب همبستگی بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود برابر ۰.۷۳۳ است. این عدد در سطح خطای ۵٪ رابطه معنی داری را بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود نشان می دهد. با توجه به خروجی های نرم افزار SPSS؛ جداول نشان می دهد، از آن جا که sig کمتر از پنج درصد است، فرض H_0 در سطح خطای پنج درصد رد می شود و وجود همبستگی بین این دو متغیر تایید می شود. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده محاسبه شده نیز عدد ۰/۵۸۷ را نشان می دهد، که عدد خوبی می باشد و برازش مناسبی از تغییرات متغیر هموارسازی سود با استفاده خوش بینی مدیریت ارائه می کند. یکی از مفروضات رگرسیون استقلال خطاهاست؛ در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. آماره دوربین-واتسون به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر استفاده می شود که اگر مقدار آماره دوربین-واتسون در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ باشد فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار آماره دوربین-واتسون طبق جدول، ۱.۷۳۱ می باشد و این عدد نشان می دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خود همبستگی وجود ندارد و فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد.

آزمون فرضیه دوم

بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با بازدهی پایین داراییها رابطه معناداری وجود دارد.

فرض صفر و فرض مقابل آن به صورت زیر تعریف می شوند:

H_0 = بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با بازدهی پایین داراییها رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 = بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با بازدهی پایین داراییها رابطه معناداری وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 : \rho = 0 \\ H_1 : \rho \neq 0 \end{cases}$$

جدول ۲. ضریب همبستگی، ضریب تعیین و آزمون دوربین-واتسون بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار تخمین	آماره دوربین-واتسون
1	.880 ^a	.801	.764	.1728781	1.902

طبق جدول، ضریب همبستگی بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود برابر ۰.۸۸۰ است. این عدد در سطح خطای ۵٪ رابطه معنی داری را بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود نشان می دهد. با توجه به خروجی های نرم افزار SPSS؛ جداول نشان می دهد، از آن جا که sig کمتر از پنج درصد است، فرض H_0 در سطح خطای پنج درصد رد می شود و وجود همبستگی بین این دو متغیر تایید می شود. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده محاسبه شده نیز عدد ۰/۷۶۴ را نشان می دهد، که عدد خوبی می باشد و برازش مناسبی از تغییرات متغیر هموارسازی سود با استفاده خوش بینی مدیریت ارائه می کند. یکی از مفروضات رگرسیون استقلال خطاهاست؛ در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. آماره دوربین-واتسون به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر استفاده می شود که اگر مقدار آماره دوربین-واتسون در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ باشد فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار آماره دوربین-واتسون طبق جدول، ۱.۹۰۲ می باشد و این عدد نشان می دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خود همبستگی وجود ندارد و فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد.

آزمون فرضیه سوم

بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با بازدهی بالای داراییها رابطه معناداری وجود دارد.

فرض صفر و فرض مقابل آن به صورت زیر تعریف می شوند:

H_0 = بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با بازدهی بالای داراییها رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 = بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با بازدهی بالای داراییها رابطه معناداری وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 : \rho = 0 \\ H_1 : \rho \neq 0 \end{cases}$$

جدول ۳. ضریب همبستگی، ضریب تعیین و آزمون دوربین-واتسون بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن

از سود

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار تخمین	آماره دوربین-واتسون
1	.671 ^a	.629	.521	.5041201	1.918

طبق جدول، ضریب همبستگی بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود برابر ۰.۶۷۱ است. این عدد در سطح خطای ۵٪ رابطه معنی داری را بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود نشان می دهد. با توجه به خروجی

های نرم افزار SPSS؛ جداول نشان می دهد، از آن جا که sig کمتر از پنج درصد است، فرض H_0 در سطح خطای پنج درصد رد می شود و وجود همبستگی بین این دو متغیر تایید می شود. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده محاسبه شده نیز عدد ۰/۵۲۱ را نشان می دهد، که عدد خوبی می باشد و برازش مناسبی از تغییرات متغیر سورپرایز شدن با استفاده خوش بینی مدیریت ارائه می کند. یکی از مفروضات رگرسیون استقلال خطاهاست؛ در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. آماره دوربین- واتسون به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر استفاده می شود که اگر مقدار آماره دوربین - واتسون در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ باشد فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار آماره دوربین- واتسون طبق جدول، ۱.۹۱۸ می باشد و این عدد نشان می دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خود همبستگی وجود ندارد و فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد.

آزمون فرضیه چهارم

بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با بازدهی پایین داراییها رابطه معناداری وجود دارد.

فرض صفر و فرض مقابل آن به صورت زیر تعریف می شوند:

H_0 = بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با بازدهی پایین داراییها رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 = بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با بازدهی پایین داراییها رابطه معناداری وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 : \rho = 0 \\ H_1 : \rho \neq 0 \end{cases}$$

جدول ۴. ضریب همبستگی، ضریب تعیین و آزمون دوربین - واتسون بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن

از سود

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار تخمین	آماره دوربین - واتسون
1	.759 ^a	.705	.617	2.9057555	1.801

طبق جدول شماره، ضریب همبستگی بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود برابر ۰.۷۵۹ است. این عدد در سطح خطای ۵٪ رابطه معنی داری را بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود نشان می دهد. با توجه به خروجی های نرم افزار SPSS؛ جداول نشان می دهد، از آن جا که sig کمتر از پنج درصد است، فرض H_0 در سطح خطای پنج درصد رد می شود و وجود همبستگی بین این دو متغیر تایید می شود. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده محاسبه شده نیز عدد ۰/۶۱۷ را نشان می دهد، که عدد خوبی می باشد و برازش مناسبی از تغییرات متغیر سورپرایز شدن با استفاده خوش بینی مدیریت ارائه می کند. یکی از مفروضات رگرسیون استقلال خطاهاست؛ در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. آماره دوربین- واتسون به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر استفاده می شود که اگر مقدار آماره دوربین - واتسون در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ باشد فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار آماره دوربین- واتسون طبق جدول، ۱.۸۰۱ می باشد و این عدد نشان می دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خود همبستگی وجود ندارد و فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد.

آزمون فرضیه پنجم

بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با فروش بالا رابطه معناداری وجود دارد.

فرض صفر و فرض مقابل آن به صورت زیر تعریف می شوند:

H_0 = بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با فروش بالا رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 = بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با فروش بالا رابطه معناداری وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 : \rho = 0 \\ H_1 : \rho \neq 0 \end{cases}$$

جدول ۵. ضریب همبستگی، ضریب تعیین و آزمون دوربین-واتسون بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار تخمین	آماره دوربین - واتسون
1	.706 ^a	.651	.602	.6638660	1.771

طبق جدول، ضریب همبستگی بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود برابر ۰.۷۰۶ است. این عدد در سطح خطای ۵٪ رابطه معنی داری را بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود نشان می دهد. با توجه به خروجی های نرم افزار SPSS؛ جداول نشان می دهد، از آن جا که sig کمتر از پنج درصد است، فرض H_0 در سطح خطای پنج درصد رد می شود و وجود همبستگی بین این دو متغیر تایید می شود. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده محاسبه شده نیز عدد ۰/۶۰۲ را نشان می دهد، که عدد خوبی می باشد و برازش مناسبی از تغییرات متغیر هموارسازی سود با استفاده خوش بینی مدیریت ارائه می کند. یکی از مفروضات رگرسیون استقلال خطاهاست؛ در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. آماره دوربین- واتسون به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر استفاده می شود که اگر مقدار آماره دوربین - واتسون در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ باشد فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار آماره دوربین- واتسون طبق جدول، ۱.۷۷۱ می باشد و این عدد نشان می دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خود همبستگی وجود ندارد و فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد.

آزمون فرضیه ششم

بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با فروش پایین رابطه معناداری وجود دارد.

فرض صفر و فرض مقابل آن به صورت زیر تعریف می شوند:

H_0 = بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با فروش پایین رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 = بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکتهای با فروش پایین رابطه معناداری وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 : \rho = 0 \\ H_1 : \rho \neq 0 \end{cases}$$

جدول ۶. ضریب همبستگی، ضریب تعیین و آزمون دوربین-واتسون بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار تخمین	آماره دوربین-واتسون
1	.816 ^a	.713	.664	.8673933	2.010

طبق جدول، ضریب همبستگی بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود برابر ۰.۸۱۶ است. این عدد در سطح خطای ۰.۰۵ رابطه معنی داری را بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود نشان می دهد. با توجه به خروجی های نرم افزار SPSS؛ جداول نشان می دهد، از آن جا که sig کمتر از پنج درصد است، فرض H_0 در سطح خطای پنج درصد رد می شود و وجود همبستگی بین این دو متغیر تایید می شود. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده محاسبه شده نیز عدد ۰/۶۶۴ را نشان می دهد، که عدد خوبی می باشد و برازش مناسبی از تغییرات متغیر هموارسازی سود با استفاده خوش بینی مدیریت ارائه می کند. یکی از مفروضات رگرسیون استقلال خطاهاست؛ در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. آماره دوربین-واتسون به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر استفاده می شود که اگر مقدار آماره دوربین-واتسون در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ باشد فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار آماره دوربین-واتسون طبق جدول، ۲.۰۱۰ می باشد و این عدد نشان می دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خود همبستگی وجود ندارد و فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد.

آزمون فرضیه هفتم

بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با فروش بالا رابطه معناداری وجود دارد.

فرض صفر و فرض مقابل آن به صورت زیر تعریف می شوند:

H_0 = بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با فروش بالا رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 = بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با فروش بالا رابطه معناداری وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 : \rho = 0 \\ H_1 : \rho \neq 0 \end{cases}$$

جدول ۷. ضریب همبستگی، ضریب تعیین و آزمون دوربین-واتسون بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن

از سود

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار تخمین	آماره دوربین-واتسون
1	.737 ^a	.656	.548	.6198462	1.593

طبق جدول، ضریب همبستگی بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود برابر ۰.۷۳۷ است. این عدد در سطح خطای ۰.۰۵ رابطه معنی داری را بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود نشان می دهد. با توجه به

خروجی های نرم افزار SPSS؛ جداول نشان می دهد، از آن جا که sig کمتر از پنج درصد است، فرض H_0 در سطح خطای پنج درصد رد می شود و وجود همبستگی بین این دو متغیر تایید می شود. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده محاسبه شده نیز عدد ۰/۵۴۸ را نشان می دهد، که عدد خوبی می باشد و برازش مناسبی از تغییرات متغیر سورپرایز شدن با استفاده خوش بینی مدیریت ارائه می کند. یکی از مفروضات رگرسیون استقلال خطاهاست؛ در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. آماره دوربین- واتسون به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر استفاده می شود که اگر مقدار آماره دوربین- واتسون در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ باشد فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار آماره دوربین- واتسون طبق جدول ۱.۵۹۳ می باشد و این عدد نشان می دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خود همبستگی وجود ندارد و فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد.

آزمون فرضیه هشتم

بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با فروش پایین رابطه معناداری وجود دارد.

فرض صفر و فرض مقابل آن به صورت زیر تعریف می شوند:

H_0 = بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با فروش پایین رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 = بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکتهای با فروش پایین رابطه معناداری وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 : \rho = 0 \\ H_1 : \rho \neq 0 \end{cases}$$

جدول ۸. ضریب همبستگی، ضریب تعیین و آزمون دوربین- واتسون بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار تخمین	آماره دوربین- واتسون
1	.735 ^a	.618	.574	.9351232	1.838

طبق جدول شماره ۸، ضریب همبستگی بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود برابر ۰.۷۳۵ است. این عدد در سطح خطای ۵٪ رابطه معنی داری را بین دو متغیر خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود نشان می دهد. با توجه به خروجی های نرم افزار SPSS؛ جداول نشان می دهد، از آن جا که sig کمتر از پنج درصد است، فرض H_0 در سطح خطای پنج درصد رد می شود و وجود همبستگی بین این دو متغیر تایید می شود. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده محاسبه شده نیز عدد ۰/۵۷۴ را نشان می دهد، که عدد خوبی می باشد و برازش مناسبی از تغییرات متغیر سورپرایز شدن با استفاده خوش بینی مدیریت ارائه می کند. یکی از مفروضات رگرسیون استقلال خطاهاست؛ در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. آماره دوربین- واتسون به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر استفاده می شود که اگر مقدار آماره دوربین- واتسون در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ باشد فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار آماره دوربین- واتسون طبق جدول ۱.۸۳۸ می باشد و این عدد نشان می دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خود همبستگی وجود ندارد و فرض همبستگی بین خطاها رد می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد.

بحث و نتیجه گیری:

نتیجه آزمون فرضیه اول

با توجه به نتایج بدست آمده بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه ای به صورت معکوس وجود دارد یعنی با افزایش خوش بینی مدیریت شرکت ، هموارسازی سود کاهش می یابد و بالعکس .

نتایج حاصل از این فرضیه تحقیق با نتایج حاصل از تحقیق کریستیا بومن ۲۰۱۴ که به بررسی تاثیر خوش بینی مدیریت بر هموار سازی سود در بورس اوراق بهادار آمریکا پرداخت که بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود دارد مانند همدیگر هستند.

نتیجه آزمون فرضیه دوم

با توجه به نتایج بدست آمده بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه ای به صورت معکوس وجود دارد یعنی با افزایش خوش بینی مدیریت شرکت ، هموارسازی سود کاهش می یابد و بالعکس .

نتایج حاصل از این فرضیه تحقیق با نتایج حاصل از تحقیق کریستیا بومن ۲۰۱۴ که به بررسی تاثیر خوش بینی مدیریت بر هموار سازی سود در بورس اوراق بهادار آمریکا پرداخت که بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود دارد مانند همدیگر هستند.

نتیجه آزمون فرضیه سوم

با توجه به نتایج بدست آمده بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه ای به صورت مستقیم وجود دارد یعنی با افزایش خوش بینی مدیریت شرکت ، سورپرایز شدن از سود افزایش می یابد و بالعکس .

نتایج حاصل از این فرضیه تحقیق با نتایج حاصل از تحقیق کریستیا بومن ۲۰۱۴ که به بررسی تاثیر خوش بینی مدیریت بر هموار سازی سود در بورس اوراق بهادار آمریکا پرداخت که بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود رابطه معنی داری وجود دارد مانند همدیگر هستند.

نتیجه آزمون فرضیه چهارم

با توجه به نتایج بدست آمده بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه ای به صورت مستقیم وجود دارد یعنی با افزایش خوش بینی مدیریت شرکت ، سورپرایز شدن از سود افزایش می یابد و بالعکس .

نتایج حاصل از این فرضیه تحقیق با نتایج حاصل از تحقیق کریستیا بومن ۲۰۱۴ که به بررسی تاثیر خوش بینی مدیریت بر هموار سازی سود در بورس اوراق بهادار آمریکا پرداخت که بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود رابطه معنی داری وجود دارد مانند همدیگر هستند.

نتیجه آزمون فرضیه پنجم

با توجه به نتایج بدست آمده بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه ای به صورت معکوس وجود دارد یعنی با افزایش خوش بینی مدیریت شرکت ، هموارسازی سود کاهش می یابد و بالعکس .

نتایج حاصل از این فرضیه تحقیق با نتایج حاصل از تحقیق کریستیا بومن ۲۰۱۴ که به بررسی تاثیر خوش بینی مدیریت بر هموار سازی سود در بورس اوراق بهادار آمریکا پرداخت که بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود دارد مانند همدیگر هستند.

نتیجه آزمون فرضیه ششم

با توجه به نتایج بدست آمده بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه ای به صورت معکوس وجود دارد یعنی با افزایش خوش بینی مدیریت شرکت ، هموارسازی سود کاهش می یابد و بالعکس .

نتایج حاصل از این فرضیه تحقیق با نتایج حاصل از تحقیق کریستیا بومن ۲۰۱۴ که به بررسی تاثیر خوش بینی مدیریت بر هموار سازی سود در بورس اوراق بهادار آمریکا پرداخت که بین خوش بینی مدیریت با هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود دارد مانند همدیگر هستند.

نتیجه آزمون فرضیه هفتم

با توجه به نتایج بدست آمده بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه ای به صورت مستقیم وجود دارد یعنی با افزایش خوش بینی مدیریت شرکت ، سورپرایز شدن از سود افزایش می یابد و بالعکس .

نتایج حاصل از این فرضیه تحقیق با نتایج حاصل از تحقیق کریستیا بومن ۲۰۱۴ که به بررسی تاثیر خوش بینی مدیریت بر هموار سازی سود در بورس اوراق بهادار آمریکا پرداخت که بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود رابطه معنی داری وجود دارد مانند همدیگر هستند.

نتیجه آزمون فرضیه هشتم

با توجه به نتایج بدست آمده بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه ای به صورت مستقیم وجود دارد یعنی با افزایش خوش بینی مدیریت شرکت ، سورپرایز شدن از سود افزایش می یابد و بالعکس .

نتایج حاصل از این فرضیه تحقیق با نتایج حاصل از تحقیق کریستیا بومن ۲۰۱۴ که به بررسی تاثیر خوش بینی مدیریت بر هموار سازی سود در بورس اوراق بهادار آمریکا پرداخت که بین خوش بینی مدیریت با سورپرایز شدن از سود رابطه معنی داری وجود دارد مانند همدیگر هست.

منابع

۱. آقائی، محمد و حسن کوچکی، ۱۳۷۴، "گمانهایی پیرامون نمایش سود"، فصلنامه بررسیهای حسابداری، شماره ۱۴.
۲. ابراهیمیان میثم ۱۳۸۹ " بررسی اثرات هموار سازی سود بر ارزش افزوده اقتصادی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اراک
۳. بدری، احمد، ۱۳۷۸، "شناسایی عوامل موثر بر هموارسازی سود" پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران
۴. قائمی محمد حسین ، قیطاسوند محمود و توجکی، محمود، ۱۳۸۲، "تاثیر هموارسازی سود بر بازده سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۳۸۲، شماره ۳۳، صفحات ۱۳۱-۱۵۰.
۵. شباهنگ، رضا، ۱۳۸۲، "تئوری حسابداری"، جلد اول از انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی .
۶. شباهنگ، رضا ۱۳۸۷، "تئوری حسابداری"، جلد اول، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی.
7. Cheni, m., Win J. Suini, h. Adabsh, S. (2009)“Ownership Differences and Firm Income Smoothing Behavior”, Journal of Business Finance and Accounting, 36,
8. Michelson,s,e,1999,Jordan wanger&c wooton”Income smoothing and Risk-Adjust performance” SSRN site.